

نظام‌های ارزی و ثبات ارزش پولی افغانستان

علی‌نقی عرفانی^۱

چکیده

در مباحث اقتصادی ثبات ارزش پولی و کنترل نرخ ارز، بحث چالش‌برانگیز و مهمی است؛ زیرا نوسانات نرخ ارز و ارزش پول ملی علاوه بر ایجاد فاصله طبقاتی، سبب هدایت نادرست منابع نیز می‌شود. بانک‌های مرکزی با انتخاب نوع نظام ارزی و سیاست پولی تلاش می‌کنند که تا حد ممکن ارزش پول ملی کشور را حفظ کنند. از طرف دیگر دولت‌ها نیز با اتخاذ سیاست تجاری مناسب و هدایت سرمایه‌گذاری، می‌توانند در کنترل نرخ ارز همکاری کنند. در این مقاله تلاش شده است که با جمع‌آوری اطلاعات از منابع نشر شده با روش تحلیل موضوع، ثبات ارزی افغانستان بررسی گردد. در افغانستان آنچه باعث ثبات ارزش پولی کشور شده، کمک‌های جامعه جهانی خصوصاً کمک‌های ایالات متحده است که از مهم‌ترین عامل به حساب می‌آید. در مرحله بعد کنترل عرضه پول کشور است که بانک مرکزی در دو دهه اخیر، توانسته از سیاست پولی مناسب در جهت عرضه پول، استفاده کند و نوع نظام ارزی که بانک مرکزی آن را اعلام کرده است، نمی‌توانیم به عنوان یکی از عوامل ثبات پولی کشور بدانیم.

کلیدواژه‌ها: نرخ ارز، نظام ارزی، ثبات پولی، افغانستان، سیاست پولی

۱. گروه علوم اقتصاد، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی، افغانستان.

آدرس ایمیل: alinaqi56@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحث مهم و پرچالش در اقتصاد که همواره مورد توجه دولت‌مردان و اقتصاددانان خصوصاً در کشورهای در حال توسعه قرار گرفته، «ثبات ارزش پولی و نرخ ارز» است. نرخ ارز بیانگر ارزش برابری پول داخلی نسبت به پول خارجی یا ارز است (دفتر بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۸۲) و نظام‌های ارزی به صورت مختصر چارچوبی برای تعیین قیمت ارز هستند. (کرمی، صامتی، طیبی، ترکی، ۱۳۹۸) ثبات ارزش پولی باعث می‌شود که قیمت‌ها در کشور به درستی عمل نموده و به عنوان راهنما، هدایت سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی را در جهت رسیدن به اهداف مدنظر، یاری رسانند. در واقع شاخص‌های اقتصادی که وظیفه راهنمایی تخصیص منابع در اقتصاد را به عهده دارد، زمانی می‌تواند به این وظیفه خود درست عمل کند که ارزش پولی کشور حالت با ثبات را داشته باشد. عملکرد درست شاخص‌های اقتصادی باعث می‌شود که سرمایه‌گذاری در مسیر درست انجام شده و رشد و توسعه اقتصادی را به بار آورد. لذا کشورها تلاش می‌کند که سیاست‌های پولی را به گونه‌ای تنظیم و اجرا کنند که ارزش پولی و نرخ ارز در محدوده تعریف شده قرار گیرد. ارزش پول افغانی در دو دهه اخیر یکی از ارزهای با ثبات منطقه به حساب آمده و از ثبات نسبی برخوردار بوده است. در این نوشته تلاش می‌شود که با جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و با توجه به چارچوب نظری مربوطه و نظریات دانشمندان اقتصادی و صاحب‌نظران در عرصه پولی و با استفاده از روش تحلیل اطلاعات به دست آمده، ثبات پولی کشور را بعد از ۲۰۰۱، بررسی شود و مشخصاً به این سؤال پاسخ داده شود که کدام نوع نظام ارزی برای کشور انتخاب شده است و علت یا علل ثبات ارزش پولی کشور چه بوده است.

موضوع مانند نرخ ارز و ثبات ارزش پولی از موضوعات مهم اقتصادی است و تحقیقات علمی زیادی درباره این موضوع انجام شده است؛ اما در رابطه با ارزش پولی افغانستان و ثبات نرخ ارز در افغانستان به نوشته علمی قابل توجهی دست نیافتیم. آنچه در پی می‌آید، حاصل تحقیقاتی است که به صورت عموم یا با نگاهی به کشور



دیگری نوشته شده است که از جهاتی زیادی با موضوع مورد بررسی، یکسان به نظر می‌رسد که به تعدادی از این مقالات به‌عنوان پیشینه پژوهش اشاره می‌شود مانند: علی‌فقه مجیدی و زهرا ضرونی (فقه مجیدی، ضرونی، ۱۳۹۷) در مقاله تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رژیم نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه»، به این نتیجه رسیده‌اند که نوع نظام ارزی انتخاب شده تأثیر زیادی بر متغیرهای اقتصادی هر کشور دارد و انتخاب نوع رژیم ارزی را وابسته به نظریه اقتصاد سیاسی و فرضیه بحران ارزی می‌دانند. آنان می‌گویند نوع رژیم انتخابی باعث می‌شود که کشور از شوک‌های پولی در امان باشد و ارزش پولی تا حدودی تثبیت گردد.

آقایان محمدحسین عادل، یحیی آل اسحاق، حبیب‌الله عسکراولادی، قربانعلی دری نجف‌آبادی، مرتضی نبوی و علی‌نقی خاموشی (عادل و همکاران، ۱۳۷۲) در یک میزگرد منتشر شده به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ ارز قطعاً در همه شئون زندگی مؤثر است و از معاش ثابت کارمند گرفته تا صادرات، واردات و حتی تولید و سرمایه‌گذاری و برای تثبیت نرخ ارز و تثبیت ارزش پول ملی اصلاح ساختار اقتصادی و استفاده درست از سیاست‌های اقتصادی کشور است. با ساختار اقتصادی مناسب، می‌توان اثر تزریق ارز یا تزریق پول ملی را در تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری مشاهده کرد.

حسین اصغر پور، علی مهدی لو و سید میثم اسماعیلی (اصغر پور، مهدی لو، اسماعیلی، ۱۳۹۳) نرخ ارز و ثبات ارزش پولی را در تعیین درجه رقابت بین‌المللی و وضعیت اقتصاد داخلی مؤثر دانسته و اثر متغیرهای دخیل را با استفاده از رگرسیون فازی چنین بررسی کرده‌اند که رشد بهره‌وری، مخارج دولت، سیاست‌های تجاری و حجم نقدینگی از جمله عوامل مؤثر بر نرخ ارز و ثبات پول ملی است.

سید جمال‌الدین محسنی، سلیمان فیضی ینگجه و اکرم موسوی (محسنی، فیضی، موسوی، ۱۳۹۶) در تحقیقی که از مدل واریانس ناهمسانی شرطی خود رگرسیونی تعمیم یافته، استفاده کرده‌اند که تأثیر نرخ ارز بر مصرف مثبت و معنادار است. لذا پیشنهاد کرده‌اند که با توجه به تأثیر معنادار حجم پول و مخارج دولت بر نا اطمینانی

نرخ ارز، سیاست‌های مناسب پولی و مالی از سوی دولتمردان اتخاذ گردد تا باعث کاهش نا اطمینانی نرخ ارز گردد.

مهران دبیر سپهری (دبیر سپهری، ۱۴۰۰) ثبات ارزش پول مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مفهوم اقتصادی دانسته و می‌گوید بسیاری از معضلات و بحران‌های اقتصادی ریشه در بی‌ثباتی ارزش پول کشورها دارد و چهار روش را برای تغییر ارزش پول مطرح نموده و مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی را حفظ ثبات ارزش پول می‌داند.

رضا فرزام (فرزام، ۱۴۰۲) بعد از تأیید ثبات نسبی پول افغانی در سه سال اخیر می‌گوید که عواملی چندی باعث ثبات نرخ ارز در افغانستان شده است. مانند کریدور بشردوستانه سازمان ملل که توسط «یوناما» برای جلوگیری از فروپاشی سیستم مالی و بانکی راه‌اندازی شده بود. قاجاق ارز از پاکستان که بر اساس گزارش نشریه بلومبرگ از قول رئیس انجمن صرافان پاکستان که به‌صورت متوسط روزانه ۵ میلیون دلار به افغانستان قاجاق می‌شود. صندوق امانی افغانستان در سوئیس که وظیفه صندوق حفظ سیستم مالی و بانکی افغانستان تعریف شده است؛ اما گزارش دقیق از میزان پولی که این صندوق به افغانستان انتقال داده، در دسترس نیست. سیاست سخت‌گیرانه پولی و عدم چاپ پول افغانی و سیاست سخت‌گیرانه حاکمان فعلی در مقابل خروج ارز و عرضه پول افغانی باعث شده است که نرخ ارز در افغانستان تا حدودی حالت با ثبات به خود گیرد؛ اما در نهایت ایشان این وضعیت را پایدار ندانسته و معتقد است که اقتصاد افغانستان ناتوان از فراهم ساختن منابع ارزی پایدار است و باید شاهد نوسانات شدید نرخ ارز باشیم. در این نوشته صرفاً به سه سال اخیر پرداخته شده است و هیچ‌گونه تحلیلی از عملکرد کمک‌ها نداشته است و دو عامل دیگر را نیز معرفی می‌کند؛ اما هیچ سندی معتبری برای این دو عامل ذکر نمی‌کند. هرچند که نسبت به صندوق امانی افغانستان در سوئیس به دیده شک می‌نگرد و اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و هم‌چنین قاجاق ارز از پاکستان به افغانستان با توجه به وضعیت اقتصادی ناپایدار پاکستان، باید به دیده شک و تردید برخورد کرد.



۱. نظام‌های ارزی

تقسیم‌بندی نظام‌های ارزی که در نوشته‌ها به چشم می‌خورد و هرکدام دارای چارچوب خاص خود است و تعریف منحصر به خودش را دارد؛ اما در عمل به جز نظام ارزی ثابت بر پایه طلا یا بر پایه ارز خاصی که رابطه تعریف شده با طلا داشت، سایر نظام‌های ارزی آن طوری که در نوشته‌ها آمده وجود خارجی نداشته است. تمامی نظام‌های ارزی انتخاب شده از سوی کشورها به نحوی دستکاری شده و بر اساس صلاح دید پولی آن کشور تغییراتی در اجرای آن اعمال شده است؛ اما در ظاهر نظام ارزی انتخاب منتخب، تحت عنوان خاص، تعریف شده است.

۱-۱. نظام ارزی ثابت

پس از جنگ جهانی اول، پول اکثر کشورها ارزشش را از دست داده بود و این مسئله مشکلاتی را برای کشورهای که به پرداخت بدهی‌های خود اقدام می‌کرد، به بار آورد؛ مثلاً کشورهای آلمان، اتریش و مجارستان از پرداخت بدهی خود به انگلستان به صورت «لیره» که پایه پولی بسیاری از کشورها بود، خودداری کردند. از طرف دیگر کشور فرانسه که اوضاع پولی مناسبی داشت، در مقابل مطالبات خود فقط طلا قبول می‌کرد. این بحران معوقات و بدهی تنها در اروپا نبود، بلکه به سایر نقاط نیز سرایت کرد و تبدیل به یک معضل بزرگ دیگر شد. این مشکل هنوز حل نشده بود که جنگ جهانی دوم شروع شد و در فاصله بین دو جنگ، هیچ گونه مقررات بین‌المللی برای تثبیت نرخ مبادلات ارزی وجود نداشت. کشورها با آگاهی از تأثیرات تغییر نرخ پول خود، به ویژه آن‌ها که در مبادلات بین‌المللی مقام مهمی داشتند، یک‌جانبه تغییراتی را اعمال می‌کردند. (ابراهیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۶-۱۰)

هرج و مرج پولی در دوران جنگ جهانی اول و دوم، کارشناسان اقتصادی اغلب کشورها را وادار کرد که به ثبات پولی بعد از جنگ بیندیشند و برای ایجاد یک رابطه پایدار پولی بین کشورها زمینه را آماده کنند. متخصصان پولی کشورهای آمریکا و انگلستان در اواخر جنگ، هرکدام طرحی را منتشر کردند. «طرح وایت» از سوی خزانه‌داری آمریکا و «طرح کینز» از جانب معاون خزانه‌داری انگلستان به جامعه

جهانی آن روز ارائه شد. (ابراهیمی نژاد، ۱۳۸۶: ۳۳)

این دو طرح مدت‌ها در محافل جهانی مورد بحث و جدل قرار گرفت و کارشناسان آمریکا و انگلستان، طرح مشترکی ارائه کردند که به منظور اجرایی شدن این طرح، رئیس‌جمهور وقت آمریکا کنفرانسی در بهار ۱۹۴۴م. در «برتون وودز» ایالت نیوهمپشایر آمریکا با حضور ۴۴ کشور، تشکیل داد و نظام ارزی متکی به پایه طلا به تصویب کشورهای شرکت‌کننده رسید تا بر اساس آن، ارزش پول هر کشور بر مبنای میزان ذخایر طلای موجود در آن کشور ارزیابی و تعیین گردد. (نیکو اقبال، ۱۳۹۰) تعیین ارزش پول هر کشور بر اساس ذخایر طلا، تا حدودی توانست که اوضاع نابسامان اقتصاد را کنترل کرده و ثبات ارزش پولی، مهار تورم و رشد اقتصادی را بر مبنای توازن تجارت خارجی به ارمغان آورد.

۱-۱-۱. نظام ارزی بر پایه طلا

بر اساس این نظام که گاهی نظام ارزی برتون وودز هم یاد می‌شود، کشورها ارزش پول خود را بر اساس مقدار خاصی از طلا معرفی می‌کردند. مثلاً ارزش هر ۳۵ دلار آمریکا برابر با یک انس طلا (۲۸/۳۵ گرم) تعریف شده بود. کارکرد نظام مبتنی بر ذخایر طلا یا نظام خودگردان پایه طلا به این ترتیب عمل می‌کرد که با بهبود تجارت خارجی یک کشور و افزایش صادرات محصولات، واردات طلا به کشور بیشتر شده و نتیجه آن افزایش ارزش پول کشور در مقایسه با پول‌های سایر کشورها به علت افزایش ذخایر طلا بود. در چنین حالتی، طبیعی است که اجناس تولیدی داخلی با توجه به نرخ ارز، گران‌تر شده و جریان تجارت اجناس آهسته‌آهسته، روند معکوس را در پیش می‌گرفت. همین سیر طبیعی برای حالتی که کشور دچار کاهش صادرات و افزایش واردات می‌شد، نیز قابل تصور و عملی بود. لذا این نوسانات در نرخ ارز و ارزش پول ملی در نهایت به یک نقطه از تعادل می‌رسید که حالت ثبات ارزش پولی کشور و توازن در تجارت خارجی در دوره‌های بعدی به وقوع می‌پیوست.

نظام پولی تعریف شده بر پایه طلا، نقاط ضعف زیادی داشت که مهم‌ترین آن کمبود تولید و عرضه طلا در سطح جهانی در مقایسه با نیاز روزافزون به نقدینگی بود



و این مسئله موجب شد که کشورها یکی پس از دیگری علاوه بر رابطه پولی خود با مقدار خاص از طلا، به نوعی رابطه پولی خود را با ارز تعریف شده بر پایه طلا نیز تعریف کنند. لذا کشورهای زیادی علاوه بر موجودی طلا، دلار را به عنوان پشتوانه پول ملی خود که با نرخ ۳۵ دلار برای هر انس طلا از سوی فدرال رزرو تعریف شده بود، برگزیدند. (نیکو اقبال، ۱۳۹۰) مشکل دیگری که نظام پایه طلا داشت، محدودیت تعدیلات در نرخ‌های ارز بود که با توجه به رابطه تعریف شده بین پول ملی کشور با مقدار خاص طلا، اجازه نمی‌داد که کشوری بر اساس مصالح خودش ارزش پولش را خارج از محدوده تعریف شده کاهش یا افزایش دهد. (فقه مجیدی، ضرونی، ۱۳۹۷) نظام پایه طلا بیش از ۲۸ سال عمر نکرد و با اعلام ایالات متحده بر عدم اجرای رابطه طلا و دلار، این نظام در سال ۱۹۷۲ م. از هم پاشید و سیستم شناور ارزی جایگزین آن شد.

سیستم پشتوانه طلا برای ثبات ارزش پولی به صورت خودکار عمل نموده و تورم جهانی را کنترل می‌کرد و هم‌چنین سیستم پشتوانه طلا - دلار نیز به صورت نسبی قادر به کنترل تورم جهانی و نوسانات نرخ ارز بود و با فروپاشی این سیستم و جایگزین شدن سیستم شناور ارزی اختیار و مسئولیت تعیین نرخ‌های ارزی از سطوح بین‌الملل به سطح مقامات دولتی کشورها انتقال یافت. در ابتدا تصور این بود خصوصاً از سوی پول‌گرایان که نظام شناور به راحتی می‌تواند نرخ‌های واقعی ارز تنظیم نموده و سامان دهد و معتقد بودند که نرخ‌های اسمی ارز همراه با نوسانات قیمت‌ها و تورم در دو کشور طرف تجارت، خود را وفق داده و تغییر می‌کند. لذا تعدیل تراز پرداخت‌ها به آسانی انجام می‌شود. (Pentti, ۱۹۸۲) رویدادهای دهه‌های اخیر نشان داد که واقعیت غیر از این است و نرخ‌های ارزی شناور بی‌ثبات‌تر از نرخ ارز در نظام پایه طلا یا برتون وودز است، خصوصاً دوره‌های کوتاه‌مدت که نوسان نرخ ارز شدیدتر نیز شده است. از نظام ارزی ثابت، گاهی به نظام ارزی میخکوب شده نیز یاد می‌کنند که آن نیز در عمل به چند نوع تقسیم‌بندی می‌شود مانند «میخکوب سخت، میخکوب ملایم، میخکوب خرنده و میخکوب منعطف» که وجه مشترک بین

همه این‌ها، حالت با ثبات یا تثبیت شده نرخ ارز در سطح ملی و بین‌المللی است.
(عاطفی منش، ۱۳۹۳)

۲-۱-۱. نظام ارزی میخکوب سخت

نظام ارزی میخکوب سخت، شامل نظام‌های می‌شود که عموماً با تصویب قانون رسمیت پیدا می‌کنند و تغییر دادن آن فرایند خاص خود را می‌طلبد و هزینه زیادی را بر کشور تحمیل می‌کند؛ چون تغییر در نظام ارزی این‌چنینی فرایندی تغییر قانون را داشته و ساختار اقتصادی را دگرگون می‌کند. این نوع نظام ارزی در یک چارچوب خاص عمل کرده و محدودیت زیادی برای سیاست‌گذاران پولی ایجاد می‌کند. (بهادر، ۱۳۹۴) مهم نیست که نظام ارزی میخکوب به‌صورت قانونی واحد پول یک کشور دیگر را پذیرفته باشد که از آن به‌نظام «پذیرش واحد پول خارجی» یاد می‌کنند یا اتحادیه پولی تشکیل داده باشد که چند کشور یک واحد پولی و یک بانک مرکزی را ایجاد کرده و اعضا انتشار پول را در اختیار بانک مرکزی مشترک قرار داده‌اند که از آن به‌نظام «اتحادیه پولی» نام می‌برند (توکلیان، ۱۳۹۵). در هر دو حالت اجرای سیاست‌های پولی برای نهادهای ملی با محدودیت زیادی مواجه است. (عاطفی منش، ۱۳۹۳)

۳-۱-۱. میخکوب ملایم

در این نظام ارزی مسیر مشخص ارزی برای اقتصاد کشور تعریف می‌شود و سیاست‌گذاران پولی در این نوع نظام ارزی، می‌توانند برای رسیدن به ثبات بازار ارز و مسیر مشخص ارزی، بر اساس دستورالعمل از قبل تعیین شده، دخالت کنند. در این نظام، تغییر هدف ارزی کم‌هزینه‌تر از نظام ارزی میخکوب سخت است. (کرمی، صامتی، طیبی، ترکی، ۱۳۹۸) میخکوب ملایم خود به چند نوع تقسیم می‌شود مانند:

میخکوب قابل تعدیل که نرخ ارز توسط سیاست‌گذار تعیین می‌شود و معمولاً با دخالت مستقیم در بازار نیز حفظ می‌شود و دامنه نوسان نرخ ارز در این نظام بسیار محدود است.



میخکوب خزنده، در این نظام ارزی محدوده نوسانات ارزی نسبت به نظام میخکوب قابل تعدیل، بزرگ‌تر است و تعدیلات برای رسیدن به هدف موردنظر و مسیر تعیین شده به صورت مداوم انجام می‌گیرد این نظام ارزی بیشتر در کشورهای آمریکای لاتین از جمله برزیل و کلمبیا در دهه ۹۰ میلادی مورد پذیرش بود. (بهادر، ۱۳۹۴)

میخکوب منعطف، در این نظام هیچ تعهدی در تعیین نرخ خاص برای مقامات ارزی وجود ندارد و در حقیقت نهادهای مؤثر در بازار ارز تنها نوسانات کوتاه مدت را کنترل نموده و کاهش می‌دهد و این مقدار دخالت به صورت دائمی نبوده فقط در مورد اضطراری انجام می‌شود. (مصطفی پور، سخایی، ۱۳۹۰)

هدف‌گذاری بازه‌ای، نوع دیگری از نظام‌های ارزی میخکوب ملایم، نظام هدف‌گذاری بازه‌ای است که در این نظام نرخ ارز دارای یک نرخ مرکزی و یک بازه از پیش تعیین شده است. در این نظام دامنه نوسان نرخ ارز بزرگ‌تر از سه نوع گذشته است و نرخ ارز در بازه تعریف شده، حالت شناور را به خود می‌گیرد و با توجه به تعهد مقامات پولی مبنی بر حفظ نرخ ارز در بازه تعریف شده، دخالت در بازار ارز زمانی صورت می‌گیرد که نرخ ارز در یکی از دو کرانه تعیین شده باشد. (Svensson، ۱۹۹۹)

۱-۲. نظام ارزی شناور

نظامی که نرخ ارز آزادانه توسط بازار تعیین می‌شود و دولت‌ها برای رسیدن به یک نرخ خاص ارزی در بازار پول و ارز، دخالت نمی‌کنند، البته در عمل نظام شناور ارزی نیز دو نوع است نظام ارزی شناور مدیریت شده و نظام ارزی شناور مطلق.

۱-۱-۲. نظام ارزی شناور مدیریت شده

در نظام شناور مدیریت شده نرخ ارز بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و در عین حال برای تأثیرگذاری بر بازار ارز، تلاش‌های نهادهای تأثیرگذار نیز مشاهده می‌شود که ممکن است دخالت مستقیم در بازار صورت گیرد یا از طریق تغییر در نرخ بهره اعمال شود. هدف دخالت نهادهای تأثیرگذار در این نظام، برای رسیدن به

یک نرخ یا بازه ارزی، نیست بلکه هدف از دخالت کاهش نوسانات بازار ارز است و بالتبع از بین بردن انحرافات بلندمدت ارزی و به همین دلیل این نوع نظام ارزی، بیشترین صلاحدید و اختیار را برای سیاست‌گذاران پولی به ارمغان می‌آورد. (بهادر، ۱۳۹۴)

۲-۱-۲. نظام ارزی شناور مطلق

نظام شناور مطلق نیز بر اساس عرضه و تقاضای در بازار عمل می‌کند و نرخ ارز توسط بازار تعیین می‌شود و در این حالت هیچ‌گونه دخالتی از سوی نهادهای تأثیرگذار بر بازار انجام نمی‌گیرد. هرچند که نرخ ارز از ابزارهای سیاستی مانند نرخ بهره، عرضه پول، نرخ تنزیل مجدد و... تأثیر می‌پذیرد؛ اما این ابزارها برای رسیدن به اهداف دیگری اجرا می‌شود نه برای تأثیرگذاری بر بازار ارز کشور. (جبل عاملی، برادران شرکا، ۱۳۸۲)

۲. نظام ارزی افغانستان

وجود نظام ارزی و الگوی تعیین نرخ ارز در اقتصاد نشانه وجود ساز و کارهای بازاری در سیستم مبادلات ارز است و کشوری که دارای یک نظام ارزی خاص باشد و بر اساس ساز و کار آن نرخ ارز مدیریت شده و در راستای آن سیاست‌های ارزی اعمال گردد، قطعاً نتیجه مؤثر در پی داشته و رسیدن به هدف را تسهیل می‌کند. در قانون د افغانستان بانک (بانک مرکزی افغانستان) اشاره‌ای به نظام ارزی افغانستان نشده است؛ اما در سایت بانک مرکزی افغانستان با استناد به ماده شصت و نهم قانون بانک مرکزی افغانستان، نظام ارزی کشور را نظام ارزی شناور مدیریت شده می‌داند. (د افغانستان بانک، ۱۴۰۲) در حالی که در ماده شصت و نهم قانون د افغانستان بانک در فصل ششم که سیاست نرخ و کنترل اسعار را بیان کرده، اشاره به نظام ارزی منتخب نشده است، بلکه تحت عنوان سیاست‌های کلی در ماده شصت و نهم، دو فقره وجود دارد که فقره اول بانک مرکزی را مسئول طرح، اتخاذ، تنظیم و اجرای سیاست نرخ اسعار کشور دانسته و بانک را موظف کرده که قبل از اتخاذ تصمیم در این زمینه با



وزارت مالیه مشورت نماید و در فقره دوم این ماده به بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز بر اساس قوانین نافذه کشور اختیار تام داده و نماینده می‌داند.

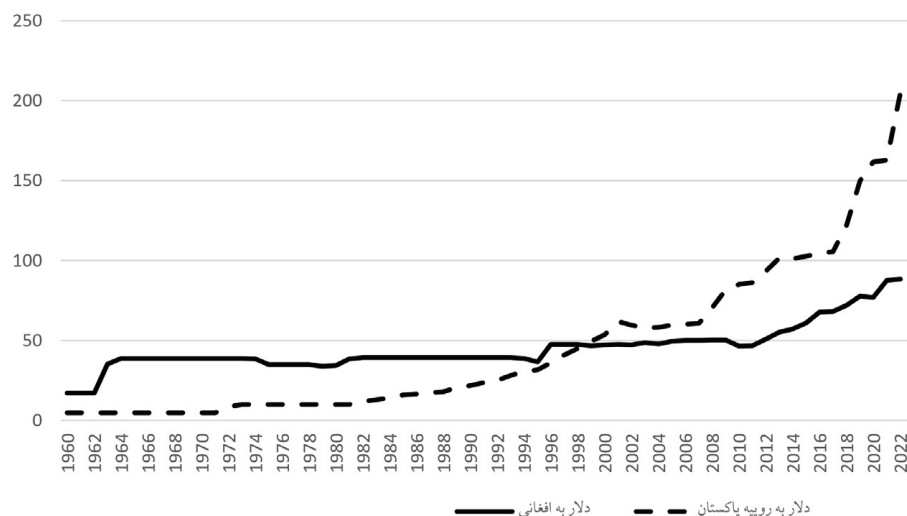
سیاست نرخ مبادله

در پرتو ماده ۶۹ قانون د افغانستان بانک، طرح، اتخاذ و اجرای سیاست نرخ مبادله یکی از وظایف عمده د افغانستان بانک می‌باشد. د افغانستان بانک رژیم نرخ مبادله شناور مدیریت شده (Managed Floating Exchange Rate) را انتخاب کرده است. تحت این رژیم، نرخ مبادله از طریق عوامل عرضه و تقاضا در بازار تعیین و نوسانات حاد آن را د افغانستان بانک تا حد ممکن مهار می‌نماید.

رژیم نرخ مبادله به اساس شرایط اقتصادی، وضعیت بیلابین تادبیت و با در نظر داشت درجه باز بودن اقتصاد کشور (جریان ورود و خروج اسعار) انتخاب گردیده است. تحت این رژیم، د افغانستان بانک نرخ مبادله را مورد هدف قرار نمی‌دهد.

آنچه در سایت رسمی بانک مرکزی افغانستان آمده است می‌توان به‌عنوان سیاست رسمی بانک مرکزی نسبت به نظام ارزی کشور قلمداد نموده و قبول کنیم که نظام ارزی کشور همان است که در سایت اعلام شده است و هم‌چنین می‌توان تحلیل کرد که برداشت سایت رسمی بانک مرکزی از قانون، کامل و شفاف نبوده و برداشت ذهنی خود را به‌عنوان نظام ارزی کشور در نظر گرفته است. ما در این نوشته تلاش می‌کنیم که سیاست عملی بانک مرکزی افغانستان را آینه و معلول نظام ارزی اتخاذ شده به حساب آوریم تا بتوانیم ثبات نرخ ارز و ثبات پول ملی کشور را بهتر تحلیل کنیم.

آمار منتشر شده از سوی بانک جهانی، (۲۰۲۴ world bank) نشان‌دهنده نوع ثبات در نرخ ارز کشور و ثبات پول ملی افغانستان است. البته نرخ ارز سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ از آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی افغانستان گرفته شده است، (بانک مرکزی افغانستان، ۱۴۰۲) ممکن است در ثبت ارزش پول کشور در مقابل ارز، دقت کمتری به کار رفته باشد.



اطلاعات ارائه شده از سوی بانک جهانی تا حدودی ثبات نرخ ارز را نشان می‌دهد، هرچند که از سال ۱۳۹۲ ارزش افغانی در مقابل دلار روند کاهشی خود را شروع می‌کند و این روند ادامه پیدا کرده و در سال ۱۴۰۰ به بالاترین سطح در بیست سال گذشته می‌رسد و از نیمه دوم سال ۱۴۰۱ دوباره ارزش خود را به دست آورده و روند افزایشی را شروع می‌کند که هم‌اکنون هر دالر آمریکایی به صورت متوسط ۷۳ افغانی اعلان شده است. (بانک مرکزی افغانستان ۲، ۱۴۰۲)

ثبات ارزش افغانی نسبت به کشورهای است که افغانستان با آن‌ها رابطه تجاری مستقیم و قابل ملاحظه دارد. مانند ایران، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان که اگر اطلاعات ارائه شده برای ارزش ریال ایران، سوم ازبکستان و منات ترکمنستان (اطلاعات ناقص در بانک جهانی) در نمودار آورده شود، اطلاعات تغییرات ارزش افغانی و روپیه پاکستانی نزدیک به صفر محسوب می‌شود و در نمودار روی محور افقی نشان داده خواهد شد؛ اما ارزش سامانی تاجیکستان دارای کمترین نوسان در بین این کشورها بوده است و ارزش سامانی با ثبات‌تر از پول‌های کشورهای یاد شده است؛ اما سؤال اصلی این است که چه عامل یا عواملی توانسته است که در این بیست سال اخیر ارزش افغانی را در مقابل ارزهای جهان، حفظ کند؟ آیا نوع نظام ارزی منتخب مؤثر بوده است یا عاملی دیگری توانسته است ارزش افغانی را پایدار سازد.



۳. عوامل مؤثر بر ثبات ارزش پولی

چندین عامل را می‌توان در تثبیت ارزش پول ملی افغانستان ذکر کرده و بررسی نمود که آیا ثبات نرخ ارز و ارزش پول ملی وابسته به این عامل بوده است یا خیر:

۱-۳. نوع نظام ارزی

قبلاً گفته شد که نوع نظام انتخاب شده از سوی بانک مرکزی افغانستان، «نظام ارزی شناور مدیریت شده» اعلان شده است و در این نوع نظام نرخ ارز را بازار بر اساس ساز و کار عرضه و تقاضا، تعیین می‌کند و نهادهای سیاست‌گذار پولی برای تثبیت نرخ خاص یا رسیدن به نرخ خاص ارزی، دخالت نمی‌کند. نتیجه اینکه انتخاب این نوع نظام ارزی کمکی برای تثبیت نرخ نمی‌کند هرچند که نوع نظام ارزی دیگری هست که باعث تثبیت نرخ ارز در یک محدوده خاص می‌شود مانند انواع نظام‌های ارزی ثابت.

۲-۳. عرضه ارز

با توجه به نوع نظام انتخاب شده از سوی بانک مرکزی، تعیین کننده نرخ ارز، بازار مالی است که با توجه به عرضه و تقاضای ارز عمل می‌کند از دو مسیر عرضه ارز در افغانستان انجام می‌شود یکی از طریق کمک‌های جامعه جهانی و دیگری صادرات کشور.

۱-۲-۳. کمک‌های جامعه جهانی

در آخرین گزارش اداره بازرسی آمریکا برای بازسازی افغانستان^۱ (SIGAR) که در ۳۰ جون ۲۰۲۳ برابر با ۱۴۰۲/۴/۹ منتشر شده است، کل کمک‌های ایالات متحده به افغانستان را از ابتدایی ۲۰۰۲ تا زمان نشر این گزارش، مبلغ ۱۴۷/۰۶ میلیارد دلار آمریکایی اعلان کرده است که از این مبلغ ۲/۳۵ میلیارد دلار بعد از سقوط جمهوریت بوده است. (سپاکو، ۲۰۲۳) در همین گزارش قید شده که بر اساس اعلان دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، مبلغ ۴/۴۵ میلیارد دلار

1. Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction

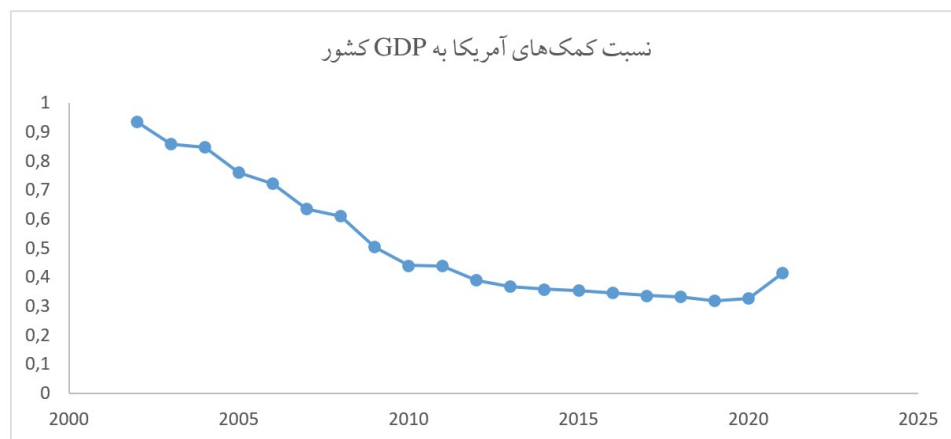


از سوی کشورها و نهادهای کمک‌کننده از ابتدای سال ۲۰۲۲ تا پایان نیمه اول سال ۲۰۲۳ انجام شده است. لذا در واقع بعد از سقوط جمهوریت کل مبلغ وارد شده به افغانستان ۶/۸ میلیارد دلار می‌شود. اگر فقط کمک‌های ایالات متحده را تنها در نظر بگیریم از ابتدای سال ۲۰۰۲ تا پایان نیمه اول ۲۰۲۳ مبلغ ۱۴۸/۳ میلیارد دلار می‌شود که به صورت تقریبی سالانه مبلغ ۶/۷۵ میلیارد دلار می‌شود. به عبارت دیگر متوسط ماهانه ۵۶۳ میلیون دلار بوده که روزانه ۱۸/۷۵ میلیون دلار می‌شود. اهمیت این مبالغ زمانی آشکار می‌شود که تولید ناخالص داخلی کشور را در نظر گرفته و تحلیل کنیم.

تولید ناخالص داخلی افغانستان (GDP) (میلیون افغانی) (مرکز احصائیه افغانستان، ۱۳۸۱-۱۴۰۰)

سال	۲۰۰۲=۱۳۸۱	۲۰۰۳=۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
GDP	۱۸۱/۲۶۹	۲۱۷/۸۹۸	۲۵۴/۴۸۷	۳۳۸/۵۴۱	۴۰۷/۶۷۳	۵۰۵/۶۳۰	۵۴۲/۱۶۷
سال	۲۰۰۹=۱۳۸۸	۲۰۱۰=۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
GDP	۶۳۲/۷۱۵	۷۴۶/۸۵۵	۹۰۳/۹۹۰	۱/۰۸۶/۱۹۸	۱/۱۹۶/۷۲۸	۱/۲۰۹/۹۷۰	۱/۲۶۰/۰۵۰
سال	۲۰۱۶=۱۳۹۵	۲۰۱۷=۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
GDP	۱/۳۷۳۲۷۵	۱/۴۳۴/۵۵۳	۱/۴۷۸/۷۰۷	۱/۳۱۹/۹۰۱	۱/۲۹۴/۳۶۴	۱/۲۵۱/۱۷۲	

اگر تولید ناخالص داخلی را تبدیل به ارزش دلاری آن کنیم یا از سایت بانک جهانی ارزش دلاری آن را گرفته و نسبت کمک‌های انجام شده را به تولید ناخالص داخلی افغانستان در نظر بگیریم، به راحتی اثربخشی این کمک‌ها را درک نموده و ثبات ارزش پولی افغانستان را تا حدودی درک خواهیم کرد.



در نمودار ارائه شده حجم کمک‌های ایالات متحده به صورت متوسط که مقدار ثابتی است، در نظر گرفته شده، در حالی که کمک‌ها در هر سال با توجه به شرایط سیاسی دارای نوسان بوده است؛ اما تأثیر در تحلیل ما نخواهد داشت. آنچه مهم است این که سهم کمک‌های ایالات متحده در افغانستان در سال‌های ابتدایی دوره جمهوریت که اقتصاد کشور بسیار کوچک بوده، تقریباً معادل تولید ناخالص داخلی است و با افزایش تولید ناخالص داخلی نسبت کمک‌ها کمتر شده است و در کمترین حالت به ۳۲٪ تولید ناخالص داخلی بوده است. لذا کمک‌های جامعه جهانی خصوصاً ایالات متحده نقش به سزای در ثبات ارزش پولی کشور را داشته و تاکنون نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند.

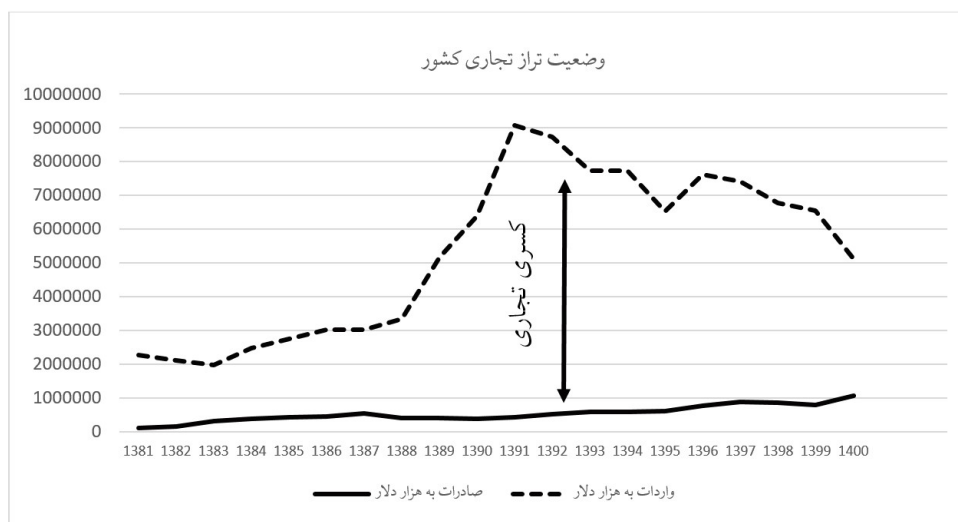
۲-۲-۳. صادرات

صادرات در همه کشورها مهم‌ترین و اولین منبع تأمین ارزی کشور به شمار می‌رود. سیاست‌های تجاری کشورها به گونه‌ای تنظیم می‌شود که تراز تجاری یا خالص صادرات کشور به رقم مثبت برسد یا حداقل در حالت تعادل قرار گیرد. در افغانستان آمارهای منتشرشده از سوی مرکز احصائیه کشور، نشان می‌دهد که در بیست سال اخیر تراز تجاری ما همواره با کسری مواجه بوده و این بخش یکی از نقاط ضعف اقتصاد کشور محسوب می‌شود و بخش اعظم کمک‌های جامعه جهانی که می‌توانست در بخش‌های زیربنایی اقتصاد سرمایه‌گذاری گردد، صرف واردات شد و

این مبالغ کمک شده نتوانست نقش مثبت آن چنانی که انتظار می‌رفت، در اقتصاد کشور ایفا کند.

اگر به آمارهای ارائه شده توسط مرکز احصائیه کشور در این سال‌ها دقت کنیم عمق اختلاف تراز تجاری کشور برای ما هویدا خواهد شد. (مرکز احصائیه افغانستان، ۱۳۸۱-۱۴۰۰) ارقام به هزار دلار:

سال	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
صادرات	۱۰۰/۱۱۰	۱۴۳/۷۰۶	۳۰۵/۱۴۹	۳۸۳/۷۴۱	۴۱۶/۴۶۳	۴۵۴/۰۵۳	۵۴۴/۵۶۱
واردات	۲/۲۶۷/۹۲۶	۲/۱۰۱/۴۷۰	۱/۹۷۴/۹۶۵	۲/۴۷۰/۴۷۳	۲/۷۴۴/۲۲۷	۳/۰۲۱/۸۸۶	۳/۰۱۹/۸۶۰
سال	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
صادرات	۴۰۳/۴۴۱	۳۸۸/۴۸۴	۳۷۵/۸۵۱	۴۱۴/۵۱۲	۵۱۴/۹۷۳	۵۷۰/۵۳۴	۵۷۱/۴۰۵
واردات	۳/۳۳۶/۴۳۵	۵/۱۵۴/۲۵۰	۶/۳۹۰/۳۱۱	۹/۰۶۸/۹۸۹	۸/۷۲۴/۰۴۸	۷/۷۲۹/۱۶۹	۷/۷۲۲/۸۶۵
سال	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
صادرات	۵۶۹/۴۵۵	۷۷۵/۰۰۰	۸۷۵/۲۴۱	۸۶۳/۸۳۲	۷۷۶/۷۳۷	۱/۰۵۸/۵۹۷	
واردات	۶/۵۳۴/۱۴۰	۷/۶۱۶/۰۰۰	۷/۴۰۶/۵۹۰	۶/۷۷۶/۷۸۱	۶/۵۳۷/۶۳۹	۵/۱۰۹/۲۸۳	



با توجه به وضعیت تراز تجاری کشور، تأمین ارز با صادرات چیزی شبیه محال است؛ زیرا میزان واردات کشور چندین برابر صادرات بوده است.



۴. سیاست‌های پولی مناسب

بانک مرکزی افغانستان با توجه به شرایط و اقتضائات اقتصادی، کنترل حجم پول جزء از اهداف میانی خود قرار داده است و در بیست سال اخیر کنترل حجم پول از اهداف بانک مرکزی قرار داشته است و این نیز بدین دلیل است که بانک مرکزی با توجه به وضعیت اقتصادی، اطلاعات کاملی از وضعیت تعادل در بازار اجناس خدمات نداشت. به عبارت دیگر هرگاه در اقتصاد جایگاه منحنی IS را ندانید، بهترین سیاست برای بانک مرکزی کنترل حجم پول است تا با این سیاست بتواند اقتصاد را در بهترین حالت تعادلی قرار دهد. (Dornbusch, ۲۰۰۴, p. ۳۴۳) در دو سال اخیر با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور، عرضه پول به شدت کاهش یافت و علت اصلی آن نبود پول چاپ شده در بانک مرکزی است و از طرف دیگر با توجه به عدم امکانات و تجهیزات پرداخت الکترونیکی، فرسودگی بانک نوت در کشور بسیار بالاست و در نتیجه هم نبود پول چاپ شده در بانک مرکزی و هم فرسودگی بانک‌نوت‌ها هر روز حجم پول کشور رو به کاهش بوده و نتیجه آن افزایش ارزش پول ملی است.

نتیجه‌گیری

ثبات پولی کشور و ثبات نرخ ارز در افغانستان در دو دهه اخیر شاید تنها دست‌آوردی مهم اقتصادی کشور در ۵۰ سال اخیر باشد و این دست‌آورد نیز بیش از آنکه مدیون تلاش‌های مدیران پولی کشور باشد، مرهون کمک‌های خارجی است که در این دو دهه انجام شده است و مدیران پولی کشور در بهترین حالت سهم اندکی داشته‌اند که سیاست پولی سخت‌گیرانه را در پیش گرفته‌اند و از نشر و عرضه پول تا جایی که امکان داشته است، خودداری کرده است.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی نژاد، مهدی، (۱۳۸۶)، سازمان‌های مالی و پولی بین‌المللی، تهران: سمت.
۲. اصغر پور، حسین، مهدی لو، علی و اسماعیلی، سید میثم، (۱۳۹۳)، بررسی عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز مؤثر واقعی در ایران با استفاده از رگرسیون فازی، مجله پژوهش‌های کاربردی اقتصاد، سال دوم شماره ۳
۳. بهادر، علی، (۱۳۹۴)، نظام‌های ارزی، دسته‌بندی، شناسایی و آثار اقتصادی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۴. توکلیان، حسن؛ توکلیان، حسین، (۱۳۹۵)، بررسی علل نوسانات ارزی، تبیین نظام ارزی و راهکارهای مناسب جهت مدیریت منابع و مصارف ارزی، فصلنامه اقتصاد و دفاع، سال اول، شماره ۱
۵. جبل عاملی، فرخنده؛ برادران شرکا، حمیدرضا، (۱۳۸۲)، انتخاب نظام ارزی و تغییرات نرخ مؤثر واقعی ارز در ایران ۱۳۵۲-۱۳۷۵، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۵
۶. دبیر سپهری، مهران، (۱۴۰۰)، ارزش پول و روش‌های چهارگانه تغییر آن، مجله اقتصادی، سال ۲۱، شماره‌های ۹ و ۱۰
۷. عادل، محمدحسین؛ آل اسحاق، یحیی، عسکر اولادی، حبیب‌الله؛ دری نجف‌آبادی، قربانعلی؛ نبوی، مرتضی؛ خاموش، علی‌نقی، (۱۳۷۲)، بی‌ثباتی نرخ ارز؛ کندوکاوی در علت‌ها و معلول‌ها، مجلس و پژوهش، شماره ۵
۸. عاطفی منش، رؤیا، (۱۳۹۳)، گستره رژیم‌های ارزی میخکوب شده در جهان، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۵
۹. عاطفی منش، رؤیا، (۱۳۹۳)، مروری بر رژیم‌های ارزی مختلف و گزینه مناسب برای امارات متحده عربی، مجله اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۹ و ۱۰



۱۰. فقه مجیدی، علی؛ ضرونی، زهرا، (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رژیم نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه، پژوهش‌های اقتصاد پولی و مالی، سال هشتم، شماره ۱
۱۱. کرمی، علیرضا؛ صامتی، مجید؛ طیبی، سید کمیل؛ ترکی، لیلا، (۱۳۹۸)، نظام ارزی مطلوب برای کشورهای صادرکننده نفت اوپک با توجه به تأثیر نظام‌های ارزی بر تولید و قیمت، پژوهش‌های اقتصاد پولی و مالی، سال نهم، شماره ۱
۱۲. محسنی، سید جمال‌الدین؛ فیضی، سلیمان؛ موسوی، اکرم، (۱۳۹۶)، اثر نرخ ارز و نا اطمینانی نرخ ارز بر مصرف داخلی در ایران، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال چهارم، شماره ۳
۱۳. محمدی، تیمور؛ غلامی، امیر، (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز بر متغیرهای اساسی کلان اقتصادی، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۹
۱۴. مرکز احصائیه افغانستان ۱۳۸۱ - ۱۴۰۰. سالنامه احصائیوی افغانستان. کابل: مرکز احصائیه افغانستان.
۱۵. مصطفی پور، منوچهر؛ سخایی، عمادالدین، (۱۳۹۰)، نگاهی به سیاست‌های ارزی کشور و چارچوب مناسب تعیین نرخ ارز، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴
۱۶. نیکو اقبال، علی اکبر، (۱۳۹۰)، ضرورت تعیین و اجرای نرخ واقعی ریال در مقابل اسعار جهان رواج، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۵۱۷

17. dornbusch, Rudiger. (2004). macroeconomics. USA: Macgraw-Hill.

18. Pentti, J. K. Kouri. (1982). Macroeconomics of Stagflation under Flexible Exchange Rates. new york: American Economic Association.

19. Svensson, Lars. (1999). "Inflation Targeting as a Monetary Policy Role." monetary economics 607-654.

20. <https://data.worldbank.org/indicator/PA.NUS.FCRF?locations=AF>. 10/12/1402

21. <https://www.dab.gov.af/dr/exchange-rates>. 12/12/1402
22. <https://www.dab.gov.af/dr/Currency-Hijri-Average>. 10/12/1402
23. <https://dab.gov.af/dr/node/1893>. 8/12/1402
24. <https://www.sigar.mil/quarterlyreports/dari/index.aspx?SSR=6&SubSSR=26&WP=Overview%20in%20Dari>. 5/12/1402
25. <https://www.afintl.com/202311108621>. 5/12/1402